

شده رخسارمان

همه چون جن!

یک شبی با خیال آسوده
من خریدم دو ظرف فالوده

شدم عازم به جانب منزل

همره خودرویی که فرسوده

شهرمان هم که همچنان هربش
پرترافیک بود و آلوده

چون رسیدم به خانه فهمیدم
آدم من، ولی چه بیهوده

تا مرا دید همسرم، غش کرد
صورتم بس که بود پرده

چون به هوش آمد او به من فرمود
ای سیه‌غول دوده‌اندوده

از چه رو آمدی به این خانه؟
برو هر جا که تاکنون بوده

آری از بس که نیست اکسیژن
شده رخسارمان همه چون جن!

چشم خود واکن که سم بینی
هر طرف باز دود و دم بینی

پای در هر کجا که بگذاری
همه‌جا سرب دم به دم بینی

نه فقط مشهد و ری و تهران
در ورامین و یزد و بم بینی

بیخودی هی نگو نمی بینم
چشم را واکنی بیم بینی

همه درگیر سرفه‌های شدید
آدم تندرست کم بینی

همه با هم شدید می‌سوزد
هم گلو هم دو چشم هم بینی

شوخی

الهی آراتیان

الهی!
کمک کن در این هوای آلوده نفسمان بالا بیايد. فقط در هوای
توست که همه گروه‌های سنی، حتی گروه‌های آسیب‌پذیر
می‌توانند نفس بکشند.

پنج‌هوا

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سیدمیشم موسوی‌مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع‌هاشمی
دبیر: ضیاء: ارزنگ حاتم
دبیر ضمیمه: مجتبی نغمی‌راد

تلفن: ۳۷۲۸۸۸۸۱ پیامک: ۳۰۰۷۲۸۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraranews.ir

در حاشیه ثبت رکورد سه‌تاز دیر هنگام‌ترین گل‌های جام جهانی به نام تیم ملی ایران

ایرانی‌ها

۱۰۰ دقیقه

چه اتفاقاتی رقم می‌زنند؟

